فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۴۱-۱۹
New Period 4, No 31, 2021, P 19-41
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

صنعتی نمودن: راهبرد کلیدی توسعه روستایی با رویکرد اقتصادی

کریم میرزا خانی
دانشجوی دکتری جامعه شناسی گرایش توسعه اجتماعی روستایی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران

چکیده

هدف در این مقاله، تبیین مسیر توسعه روستایی با تمرکز بر راهبردهای صنعتی نمودن روستاها بوده است. مرور ادبیات و پیشینه موضوع نشان می‌دهد هر کشوری با توجه به تجربیات، سیاست‌ها، اهداف و آرمان‌های خود و سایر متغیرها، تبیین متفاوتی از صنعتی نمودن روستا دارد و به تناسب آن راهبردها و مکانیزهای ویژه‌ای برای نیل به توسعه روستایی بکار می‌گیرد. در این مطالعه به منظور نیل به هدف پژوهش، منابع علمی با روش اسنادی مورد مطالعه بررسی قرار گرفته و مسیر توسعه روستایی با تمرکز بر راهبرد صنعتی نمودن روستاها ترسیم شده است. یافته‌های این مطالعه که از مرور ادبیات و پیشینه و بررسی تطبیقی تجربیات چند کشور منتخب بدست آمده نشان می‌دهد توسعه روستایی با رویکرد اقتصادی با راهبرد صنعتی نمودن می‌بایست ۱- متناسب با امکانات و داده های محلی، ۲- متناسب با مهارت، توانایی و قدرت بهره گیری روستاییان، ۳- با تکیه بر فناوری‌های بومی روستا با قابلیت باروری اقتصادی و افزایش امکانات تولیدی، ۴- با تمرکز بر اشتغالزایی بخش غیرکشاورزی برای اشتغال روستایی، ۵- با تمرکز بر صنایع کوچک روستایی و ۶- با کاهش فقر و رفع مشکل بیکاری نواحی روستایی در جهت توسعه‌ی پایدار روستایی انجام گیرد. نتایج مطالعه بیانگر این است صنعتی نمودن روستاها در جهت توسعه پایدار روستایی است و توسعه صنایع روستایی نباید باعث خروج نیروهای فعال روستایی از روستا شود و این برنامه ریزی تنها نباید برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان تدوین شود. برنامه ریزی باید در روستا، برای روستا و در جهت توسعه روستایی و در چهارچوب توسعه ملی صورت گیرد. بنابراین لزوم ایجاد صنایع کاربر و دارای تکنولوژی قابل قبول از نظرکمیت، کیفیت تولیدات صنعتی محرز است.

واژه‌های کلیدی: راهبرد، توسعه روستایی، اشتغال، متغیرهای توسعه روستایی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

مقدمه

صنعتی شدن روستا به طور گسترده به عنوان اهرمی پویا برای توسعه شناخته شده است. توسعه فرصت های شغلی در مناطق روستایی، توزیع عادلانه تر درآمد، کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا، کاهش فقر و مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات، امکان استفاده بهینه از منابع، امکانات موجود و مواد اولیه و همچنین کمک در تسریع روند توسعه کشاورزی از جمله مهمترین پیامدهای مثبت و قابل ذکر صنعتی شدن روستا محسوب می‌شود (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۴۳). از سوی دیگر، مهمترین دلیل برای استقرار صنعت در روستا عدم امکان جذب تمام نیروی انسانی آماده به کار روستایی در بخش کشاورزی است. به عبارت دیگر اقتصاد روستایی امکان لازم برای جذب این نیروی کار مازاد خود از طریق توسعه زیر بخش‌های غیرزراعی را دارد. متون توسعه روستایی نشان می‌دهد که راه های متعددی برای دستیابی به توسعه وجود دارد؛ اما تردیدی نیست که بعضی از این راه‌ها ممکن است با توجه به ساختار هر منطقه، عملکردی متناسب یا نامتناسب داشته باشند. با وجود این گروهی از کشورها به شیوه معقولی به آنچه به عنوان یک الگوی نمونه از توسعه است، نزدیک شده اند که احتمالا مطالعه تجربیات آنها می‌تواند با ارزش باشد. تاکنون پنج رویکرد مجزا درباره توسعه روستایی، شامل رویکردهای فیزیکی-کالبدی، رویکردهای اقتصادی، رویکردهای اجتماعی- فرهنگی، رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای و رویکرد توسعه پایدار و همه جانبه روستایی مطرح شده است.

دستیابی به توسعه از طریق رویکرد اقتصادی با راهبردهای صنعتی نمودن، الگوی رایج بسیاری از کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه بوده است. بنابراین اگرچه درست است که صنعتی شدن را به عنوان محور مشترک راهبردهای توسعه در کشورهای در حال توسعه مورد تأکید قرار دهیم، در عین حال ضروری است که گوناگونی زیاد این موضوع را که مشخصه کشورهای مختلفی است که تجربه ساختاری و تاریخی ویژه ای دارند، نیز در نظر داشته باشیم. بدین ترتیب به نظر می‌رسد به منظور بهبود عملکرد توسعه و جبران ناکامی‌های گذشته، راهبرد صنعتی شدن روستاها و توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی به عنوان عناصر محوری برای خط مشی آینده شناخته شود، چنانکه در بسیاری از متون توسعه راهبرد سنگ بنای توسعه روستایی معرفی شده است. موفقیت‌های کشورهای آسیای شرقی، چین و هند در دستیابی به هدفهای توسعه روستایی نشانه‌هایی از این توجه محسوب می شوند. از این رو می توان توسعه صنایع روستایی را از گزینه‌هایی دانست که می‌تواند منجر به ایجاد تحول در نظام فضایی روستاها شود، زیرا صنایع روستایی از یک سو در ایجاد اشتغال مفید و موثر در نواحی روستایی و از سوی دیگر به دلیل پیوند تنگاتنگ با بخش کشاورزی و خدمات نه تنها نقش بسزایی در توسعه روستایی در مقیاس محلی دارند، بلکه در مقیاس کلان و ملی نیز می توانند سهم قابل قبولی را نصیب نواحی روستایی ساخته و بدین ترتیب در ایفای نقش موثر روستا در فرآیند توسعه ملی نیز موثر و سودمند باشند (حاجی نژاد و دیگران، ۱۳۸۵، ۲۰).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

حال باید دید مفاهیم مستتر در ابعاد توسعه روستایی چه گستره‌ای دارند؟ و حدود و ثغور آنها تا کجاست؟ صنعت، سازماندهی کلیه عوامل تولید (مدیریت، سرمایه، مواد اولیه، نیروی انسانی) به منظور سازندگی، رشد و توسعه زندگی بشری است. روستا، کوچکترین واحد جمعیتی، مسکونی، اقتصادی و اجتماعی و جغرافیائی با یک حالت تقسیمات کشوری، سیاسی مستقل و وحدت جغرافیائی به عنوان موقعیت یا محیط روستا نام برده می‌شود که نوع معیشت غالب در روستا کشاورزی و دامداری است. توسعه، به معنای جامع، یک فرایند پیچیده بوده و مستلزم رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات به همراه زدودن فقر، بیکاری، تامین رفاه همگانی و گسترش عدالت اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی است. توسعه به معنای جامع علاوه بر رشد تولیدات جامعه، عدالت در توزیع آن و همچنین افزایش کیفیت زندگی تاکید دارد (بهرامی کمیل، ۱۳۹۶). لذا مفهوم توسعه، فرآیندی همه جانبه است (نه فقط توسعه اقتصادی) که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه (به عنوان لازم و ملزوم) است. ابعاد مختلف توسعه عبارتند از: توسعه اقتصادی, توسعه سیاسی, توسعه فرهنگی و اجتماعی و توسعه انسانی و توسعه پایدار. مناسب نیست بدون توجه به کلیه ابعاد توسعه, صرفاً به یک جنبه اولویت بخشید و دیگر بخش‌ها را در دستورکار آینده قرار داد. در تعریف بانک جهانی از توسعه روستایی چنین آمده است"توسعه روستایی، راهبردی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی روستاییان فقیر تدوین شده است"(کلانتری و چوبچیان، ۱۳۸۷:ص ۱۰۴). صنایع روستایی، به صنایعی هستند که در نواحی روستایی یا مراکز روستایی مستقر هستند و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می‌کنند. به طورکلی پیوندهای بازاری آنها از نظر جغرافیایی محدود است (مهندسان مشاور **DHV**، ۱۵، ۱۳۷۵).

بنابراین، می‌توان استنباط نمود برنامه‌های توسعه روستایی، باید جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی- اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌روند. از سوی دیگر توسعه روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشرکم درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست. در گذشته بعضی مدیران و سیاست‌گذاران امر توسعه، صرفاً بر "توسعه کشاورزی" متمرکز می‌شدند که امروز نتایج نشان داده است که توسعه روستایی صرفاً از این طریق محقق نمی‌شود. واتر استون[1] معتقد است بین توسعه کشاورزی و توسعه روستائی تفاوت موجود دارد. توسعه کشاورزی به نظر وی یک توسعه بخشی است در حالیکه توسعه روستایی یک فعالیت چند بخشی است و نه تنها شامل توسعه کشاورزی بلکه شامل صنعت روستا، تسهیلات اجتماعی و زیر بنائی روستا شامل ساختن جاده، مدرسه و. . . و یا خدمات رفاهی مثل بهبود تغذیه و گسترش سطح سواد می باشد. هدف توسعه کشاورزی افزودن بر محصولات کشاورزی است در حالیکه هدف توسعه روستایی غنی سازی رفاه اجتماعی و مادی مردم روستا، بخصوص کشاورزان فاقد زمین است.

1. Water ston

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

در توسعه منسجم روستایی نه تنها فعالیت های کشاورزی مطرح است بلکه فعالیت‌های دیگر همراه با آن مطرح است.

روستا جامعه‌ای‌است که دارای ابعاد اجتماعی مختلف و نیازمند توسعه همه جانبه (یعنی توسعه روستایی) است نه صرفاً توسعه کسب وکار و نظامی به نام "کشاورزی". هرچند باید گفت که از طریق توسعه کشاورزی موفق نیز الزاماً توسعه روستایی محقق نمی‌شود. چون اولاً فواید توسعه کشاورزی عاید همه روستاییان نمی‌شود (بیشتر عاید زمین‌داران, بخصوص مالکان بزرگ می‌شود) ثانیاً افزایش بهره‌وری کشاورزی باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی می‌شود (حداقل در درازمدت) و این خود باعث کاهش اشتغال روستاییان و فقر روزافزون آنان و مهاجرت بیشتر به سمت شهرها می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۹). مطالعات نشان می‌دهد که مناطق روستایی ایران از لحاظ شاخص های توسعه نسبت به مناطق شهری در سطح پایین تری قرار گرفته و این مناطق با مهاجر فرستی، پیری جمعیت، پایین بودن سطح درآمد و بهره وری، بیکاری، فقر، شکاف درآمدی با مناطق شهری، تخریب منابع طبیعی و مسائلی از این دست روبه رو است. این مناطق اکنون با سهم جمعیتی معادل ۲۵/۹ درصد از کل جمعیت ایران (نتایج کلی سرشماری مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) سال های متمادی است که بطور متوالی روند کاهشی سهم جمعیت را تجربه می‌کند. در این راستا برنامه های متعددی جهت برون رفت از تنگناهای توسعه ای در طول سالهای گذشته تجربه شده است که نتایج نشان می‌دهد بجز مواردی اندک، در بسیاری از زمینه‌ها ناموفق بوده و نتوانسته است اهداف توسعه روستایی را محقق گردانند. از اینرو کارشناسان توسعه اقتصادی معتقدند که تقویت بنیان‌های اقتصادی با محوریت فعال سازی چرخه تولید در فضاهای روستایی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی می‌تواند مسیر برون رفت از بحران توسعه روستایی را هموارتر نماید. به همین منظور با توجه به پارادایم‌های جدید توسعه، در ایران تدوین "برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی" برای تقویت اقتصاد محلی و منطقه ایی و تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی در برنامه ششم توسعه مد نظر قرار گرفته است. چنانچه قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی تصویب مجلس شورای اسلامی و ابلاغیه مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۹ هیات دولت اجرائی گردید. این برنامه با بهره‌گیری از تسهیلات بانکی و حمایت های دولتی تدوین گردیده و قرار است هر یک از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان‌ها در طول برنامه پنج ساله ششم سالانه به تناسب سهمیه تعیین شده در روستاهای هدف، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی تدوین نمایند. ایجاد اشتغال پایدار، بهبود معیشت در سطح خانوار و توانمندسازی افراد جامعه محلی از جمله اهداف این طرح می باشد. بنابراین با توجه به اینکه توسعه روستایی، از اهمیت زیادی برخوردار می باشد، این مقاله درباره توسعه روستایی با رویکرد اقتصادی و با تمرکز بر راهبرد صنعتی نمودن آنان و نیز چالش های مرتبط با آن پرداخته است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

مبانی نظری توسعه روستائی

توسعه اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد توسعه، ناظر بر فرآیندی است که طی آن درآمد سرانهٔ حقیقی یک جامعه در یک دورهٔ زمانی بلندمدت افزایش یابد مشروط بر اینکه، تعداد فقرا، افزوده و توزیع درآمد، بدتر نشود. در این میان با بررسی تعاریف و اهداف متعدد توسعه بطور اعم و توسعه روستایی بطور اخص در کشورهای در حال توسعه این نکته آشکار است که هر یک از این تعاریف به نوعی ایجاد اشتغال پایدار، کاهش فقر و افزایش درآمد و بطور کلی ارتقاء شاخص‌های توسعه اقتصادی نواحی روستایی را نشانه رفته‌اند. چراکه در جهان فعلی نیمی از بشریت، یعنی حدود سه میلیارد نفر درآمد روزانه شان کمتر از دو دلار بوده و روزانه ۳۲۰۰۰ کودک بدلیل فقر و نداری می میرندکه اغلب این جمعیت‌های فقیر در نواحی روستایی ساکن اند (شرکت مهندسین مشاور نقش بوستان گستر، ۱۳۹۷).

پدیده فقر – به عنوان مهمترین نماگر توسعه اقتصادی - بخصوص در نواحی روستایی بسیار مسئله حائز اهمیتی است. از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی مسئله اشتغال افراد آن جامعه در فعالیت‌های مختلف است. مبحث اشتغال و در مقابل آن بیکاری، از مهمترین مسائلی هستند که برای ایجاد یک جامعه مرفه باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا شرط لازم برای رشد و توسعه هر جامعه ای، ایجاد اشتغال است. با وجود اثرات مخرب بیکاری بر روند توسعه جوامع به ویژه در ابعاد اجتماعی توسعه از جمله فقر، بزه کاری و مهاجرت، اکثر محققان معتقدند که کشورهای در حال توسعه، با مشاغل کاذب و بیکاری گسترده ای مواجه هستند.

اسلام ریزوانول[1]ضمن تحلیل شکل‌گیری صنایع روستایی، گرایش خانوارهای روستایی به سمت صنعت را، خصوصاً در مراکز جمعیتی با تراکم بالا ناشی از فقر دانسته و با تعبیری اقتصادی گرایش به سمت صنایع روستایی را آخرین چاره کار خانوارهای روستایی و اثرات آن را افزایش درآمد شغلی، تغییر الگوی مصرف غذائی و کالای مصرفی با دوام می‌داند (اسلام ریزوانول، ۱۹۹۴). تامبونان[2]این گرایش را الزامی ترکیبی دانسته و مفهوم عوامل فشار و کشش را طرح می نماید. وی معتقد است بخشی از عوامل گرایش به سمت فعالیت‌های غیر کشاورزی در مناطق روستایی وابسته به مرحله توسعه اقتصادی و بخشی دیگر وابسته به تراکم و فشار جمعیت بر منابع است. مهمترین عامل فشار، محدودیت ظرفیت کشاورزی و مهمترین عامل کشش، وجود فرصت‌های شغلی مناسب در بخش‌های غیرکشاورزی در مقایسه با بخش کشاورزی است. بدین ترتیب عوامل فشار منشأ محلی و عوامل کشش بیشتر مؤلفه های فراملی دارند. تامبونان، با طرح نگرش وایت[3] ضمن تحلیل وجوه تمایز بین عوامل عرضه و تقاضای نیروی کار، درخصوص صنعتی شدن مناطق روستایی ورفع نیاز های اساسی، با بیان این نکته که یک عملکرد متقابل پیچیده بین عرضه و تقاضای نیروی کار وجود دارد، بر این نکته تأکید می‌کند که دو نوع تفاوت در خصوص تغییر جهت از فعالیت‌های کشاورزی به فعالیت‌های غیر کشاورزی وجود دارد: اول زمانی است که نیروی کار روستایی به دلیل

1. Islam Rezwanul
2. Tulus Tambunan
3. White

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فرصت‌های مناسب تر در بخش‌های غیر کشاورزی، برای مثال جذب یک واحد تولیدی می شود و دوم زمانی است که نیروی کار روستایی تحت یک عامل فشار متأثر از کاهش فرصت‌های شغلی به سمت فعالیت‌های غیر کشاورزی، عمدتاً مشاغل حاشیه ای با درآمد بسیار کم تمایل می‌یابد (تامبونان، ۱۹۹۲). موخو پادایی و لیم[1]ضمن تأکید بر طبقه بندی تامبونان با شرح جزئیات فعالیت‌های نوع اول آن را دارای پایه‌های باثبات و درجه بالای فناوری دانسته و عنوان صنایع کوچک روستایی به آن می‌دهند. در تبیین فعالیت های نوع دوم با طرح خصوصیاتی نظیر پاره وقت و خانگی بودن، فناوری ابتدایی و تأمین کننده نیازهای خانوادگی، عنوان صنایع دستی روستایی به آن اطلاق می‌کنند. صنایع روستایی نوع اول اغلب تحت فشار تقاضا و تابع تقاضای معین بازار بوده و صنایع روستایی نوع دوم تحت فشار عرضه و تابع عرضه معین کار هستند. فقرای روستایی این صنایع را اغلب به عنوان آخرین راه چاره غلبه بر فقر به کار می‌گیرند. ام. تی. هاگ[2]در تحلیل فرآیند توسعهٔ روستایی، بر این باور است که به موازات دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، باید صنعت را به مثابه مهمترین مؤلفهٔ هر برنامهٔ توسعهٔ یکپارچهٔ روستایی پذیرفت. ماهیت و الگوی صنعتی شدن، چه در صنایع کوچک مقیاس و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه ای است (چاد ویلک[3] ۲۰۰۷: ۵۵). هاگ تصریح می‌کند که صنعتی سازی با ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد هماهنگی به شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی می‌انجامد (مؤمنی، ۱۳۸۵ : ۱۲). یو. سی. نایاک[4]در تحلیلی بر روندهای توسعهٔ روستایی در کشورهای در حال توسعه، معتقد است که اغلب ارائهٔ طرح های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها با شکست رو به رو شده است. به باور او، تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری در مناطق روستایی ایجاد فرصتهای شغلی است و با برنامه‌ریزی در راستای استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌توان ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعهٔ روستایی را محقق ساخت (پیرس[5] : ۷۷:۲۰۰۷).

با این همه، به رغم نقش و اهمیت این بخش در توسعهٔ مناطق عقب مانده، به دلیل تمرکز در تصمیم گیری و سیاستگذاری در کشورهای جهان سوم، بسیاری از دولت‌ها به رشد ملی بیش از توسعهٔ یکپارچهٔ منطقه ای توجه دارند، و به همین دلیل، در برنامه‌های پنجسالهٔ آنها، همواره تنظیم و اجرای برنامه ها و فعالیت‌ها با تأکید بر میزان نرخ رشد و در راستای دستیابی بدان صورت می‌گیرد. بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها نمایانگر آن است که صنایع آنها بیشتر در چند قطب توسعه متمرکزند و در واقع، سایر مناطق با همان عقب ماندگی صنعتی رها شده اند. این روند سرانجام به توسعهٔ بیشتر مناطق توسعه یافته و عقب ماندگی بیشتر مناطق عقب مانده می انجامد و بر شکاف بین اینگونه مناطق

1. Mukhopdyay and Lim
2. M. T. hag
3. ChaldWick
4. U. C. Nayak
5. Pears

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

می‌افزاید. از اینرو، برای جلوگیری از رشد ناموزون مناطق گوناگون، باید به صنعت بیش از پیش توجه شود و به دلیل انعطاف پذیری و قابلیت جابه جایی عوامل تولیدی در صنعت، می‌توان از آن به صورت اهرمی برای توسعهٔ مناطق عقب مانده استفاده کرد (نجفی کانی، ۱۳۸۵ :۳۰-۳۱).

کشورهای در حال توسعه، باید برای تقویت ساختاری خود به توسعهٔ صنایع روستایی بپردازد، زیرا این دسته از صنایع در توسعه و رشد مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردار است و رشد و توسعهٔ بخش کشاورزی، افزایش درآمد و سطح رفاه روستاییان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر، و استفادهٔ بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد. ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و معرفی آن در قالب یک جریان تولیدی وسیع و همه جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و نیز جانشینی نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی، از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور به شمار می روند (مهندسین مشاور راهور، ۱۳۸۵ :۷۲-۸۱).

تمامی راهبردها، الگوها و رهیافت‌های مطرح شده در ادبیات توسعه روستایی دارای خاستگاه و سرچشمه‌های فکری و نظری ویژه‌ای هستند. شناسایی این سرچشمه‌ها و زمینه‌های فکری و نظری به فهم بهتر راهبردهای مرضوع کمک خواهد کرد. در نگاه نخست شاهد وجود دو نوع سنت فکری عام از اجتماع روستایی هستیم، سنت و برداشتی که اجتماع روستایی را یک اجتماع همگون تصور می‌کند و سنتی که اجتماع روستایی را اجتماعی ناهمگون در نظر می گیرد. در جداول ۱و۲ قبل از پرداختن به رویکردهای توسعه روستایی، سطوح مختلف انگاره (پارادایم) نظریه، رهیافت و راهبردهای مربوط به توسعه جمع بندی و ارائه شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول شماره ۱: مقایسه برخی از ویژگی‌های دو انگاره متفاوت در توسعه روستایی

انگاره سنتی و قدیم	انگاره جدید و در حال پیدایش
حصول به رشد اقتصادی به هر قیمت	تأکید بر رشد کیفی، توجه به عدالت اجتماعی و محیط زیست.
توسعه توسط دولت برای مردم	توسعه با مردم و برای مردم
سازماندهی توسعه توسط سازمان های بزرگ و متمرکز	سازماندهی توسعه توسط تشکل های مردمی و محلی با تأکید بر توانا سازی مردم
انتقال فن آوری از کشورهای غنی و توسعه یافته	ایجاد فن آوری مناسب و محلی (بومی)
نقش دولت به عنوان تولید کننده ی خدمات، مجری پروژه ها و نظارت کننده ی اصلی	نقش دولت به عنوان ایجاد کننده ی چارچوب های قانونی، توانا سازی و مشوق سازمان های محلی و مدنی
امنیت اجتماعی از سوی دولت	امنیت اجتماعی از طریق ایجاد نهادهای محلی و با تأکید بر حفظ هویت گروه های اجتماعی و قومی
تأکید بر منافع بدون تأکید بر منافع محلی	سازماندهی شبکه های و دو سویه و کلی نگرش با تأکید بر منافع محلی و ملی براساس تعامل سازمان های مردمی با دولت
سازماندهی یک سویه، از بالا به پایین و بخشی	-
دادن یارانه برای فعالیت های اقتصادی توسط دولت	توانا سازی محیطی برای رشد و توسعه ی فعالیت ها و تولید دانش محور.

مرکز مطالعات تکنولوژِی دانشگاه علم و صنعت ایران، بررسی نظریه های توسعه روستایی در ایران و جهان (۱۳۹۳).

در جدول بالا انگاره (پارادایم)های قدیمی و جدید مربوط به توسعه توسعه روستایی مقایسه شده است. از داده‌ها و اطلاعات جدول قابل استنباط است که در عصر حاضر توسعه روستایی، به توانمندسازی روستاییان متمرکز بوده و تاکید بر روستا، محور توسعه قرار گرفته است؛ در پارادایم‌های جدید بجای تاکید صرف بر حمایت دولتی، تسلط فناوری، رشد اقتصادی تک بعدی، دادن سوبسید و مولفه‌های مشابه، متغیرهایی چون توسعه مشارکت مردمی، انتقال فناوری، توسعه همه جانبه و توانمندسازی سهم پیدا کرده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول شماره ۲: الگوها، رهیافت ها و راهبردهای توسعه ی روستایی

الگوهای اصلی توسعه روستایی	رهیافت ها (رویکردها)	راهبردها
الگوهای فن سالارانه و بازار محور **Tecnocratic**	رهیافت نوسازی رهیافت رشد رهیافت بازار آزاد	راهبرد صنعتی سازی راهبرد برنامه ریزی مراکز رشد منطقه ای
الگوی رادیکال	رهیافت های سوسیالیستی و مائویستی رهیافت فمینیستی	راهبرد توزیع مجدد منابع راهبرد اسکان اجباری توانمند سازی زنان برنامه ریزی متمرکز، تعاونی
الگوی اصلاح گرا	رهیافت نیازهای اساسی رهیافت مشارکتی (عامل محور) رهیافت توسعه ی پایدار روستایی و رهیافت فائو	راهبرد عمران راهبرد توسعه فراگیر و همه جانبه (رویکرد سیستمی) راهبرد توسعه ی منطقه ای، روستایی راهبرد توسعه جوامع محلی راهبرد توسعه مشارکتی راهبرد زیست منطقه گرایی راهبرد توسعه ی اجتماعی محور (جماعتی) راهبردهای اگرو پلی تن راهبرد انقلاب سبز (مکانیکی- فیزیولوژیکی)

مرکز مطالعات تکنولوژِی دانشگاه علم و صنعت ایران، بررسی نظریه های توسعه روستایی در ایران و جهان (۱۳۹۳).

رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی

مرور ادبیات تحقیق بطور کلی نشان می‌دهد رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی را می‌توان به پنج دسته رویکرد فیزیکی - کالبدی، رویکرد اقتصادی، رویکرد اجتماعی- فرهنگی و رویکرد فضائی- منطقه‌ای- ناحیه ای و رویکرد توسعه پایدار و همه جانبه طبقه بندی کرد. متناسب با هر یک از این رویکردها، راهبردهای متعددی به کار رفته است. در رویکرد فیزیکی- کالبدی راهبرد توسعه و بهبود زیر ساخت روستایی، قابل تشخیص است. در رویکرد اقتصادی، راهبرد توسعه کشاورزی (انقلاب سبز)، راهبرد اصلاحات ارضی، راهبرد صنعتی نمودن روستاها و راهبرد تأمین نیازهای اساسی قابل تشخیص است. راهبرد توسعه اجتماعی و مشارکت مردمی به رویکرد اجتماعی- فرهنگی مربوط می‌شود. راهبرد تحلیل مکانی، توسعه روستا – شهری، راهبرد نظام سلسله مراتبی سکونت‌گاه‌ها و برنامه ریزی مراکز روستایی،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

راهبرد توسعه زیست – ناحیه و راهبرد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای به همراه راهبردهای توسعه پایدار و همه جانبه روستایی از جمله راهبردهایی هستند که رویکرد فضائی- منطقه ای- ناحیه ای نسبت به برنامه‌ریزی توسعه روستایی دارند. و نهایتاً رویکرد توسعه پایدار و همه جانبه روستایی. که به موجب اهمیت رویکرد اقتصادی به راهبرد صنعتی نمودن روستاها پرداخته شده است. در جدول شماره ۳ رویکردهای پنجگانه به تفکیک راهبردها آورده شده است.

جدول شماره ۳: رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی

رویکرد کالبدی- فیزیکی	رویکرد اقتصادی	رویکرد اجتماعی فرهنگی	رویکرد فضائی- منطقه‌ای- ناحیه ای	رویکرد توسعه پایدار و همه جانبه روستایی
توسعه و بهبود زیر ساخت روستایی	راهبرد توسعه ی کشاورزی (انقلاب سبز)	راهبرد توسعه اجتماعی	راهبرد تحلیل مکانی	-
-	راهبرد اصلاحات ارضی	راهبرد مشارکت مردمی	راهبرد توسعه روستا – شهری	-
-	راهبرد صنعتی نمودن روستاها	-	راهبرد نظام سلسله مراتبی سکونت گاه ها و برنامه ریزی مراکز روستایی	-
-	راهبردهای تأمین نیازهای اساسی	-	راهبرد توسعه زیست – ناحیه و توسعه یکپارچه ناحیه ای	-
-	-	-	راهبرد یوفرد	-

روش‌ها و رهیافت‌های مختلف راهبردهای صنعتی نمودن روستا در تجارب با کشورهای منتخب

کشورهای مختلف جهان برای برنامه ریزی صنایع روستایی از روشهای مختلفی سود برده اند. در این روشها اختلاف فراوانی دیده می شود، به طوری که بعضی از کشورها به ایجاد صنایع سنگین در نواحی روستایی مبادرت ورزیده و اشتغال و درآمد بسیاری را برای نواحی روستایی ایجاد نموده اند، که از آن جمله می توان به سرمایه گذاری های صنعتی کشور کانادا در نواحی روستایی استناد کرد. یا در هند همه ی لوازم خانگی، اداری و مصرفی در روستاها تولید می شود چنانچه حدود یک سوم از کل صادرات صنعتی کشور هند از تولیدات صنایع کوچک روستایی است و چند بانک مهم نیز به واحدهای تولیدی صنایع کوچک در روستاها، اعتبارات و خدمات فنی ارائه می‌دهند و وزارتخانه ها نیز مؤظفند نیازهای خود را در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

وهله ی اول از واحدهای صنعتی مستقر در روستاها تأمین کنند و سپس از سایر کارخانه ها خرید نمایند. بر عکس، در تعدادی از کشورهای رو به رشد، مهمترین فعالیت صنعتی در نواحی روستایی، فعالیت در تولید صنایع دستی است. در حالیکه ایجاد صنایع کوچک کارخانه ای، همگام با توجه به صنایع دستی می‌تواند برای اشتغال و درآمد در نواحی روستایی بسیار سود بخش باشد (رضائی آقا میر لو، ۱۳۹۲).

روش برنامه ریزی صنعتی نمودن روستاها در هند

توسعه روستایی یکپارچه، از سال ۱۹۷۵ در هند مورد توجه و تأکید قرار گرفت و طرح های عمده ای در این راستا به مرحله اجرا گذاشته شد. هدف از اجرای این طرح ها، تقویت زیرساخت های عمده اقتصادی – اجتماعی در نواحی روستایی و کاهش فقر و محرومیت در این کشور بود. این برنامه ها اهداف بلندمدت زیر را دنبال می کردند: افزایش تولید و بهره وری در بخش کشاورزی و بخش‌های وابسته به آن، افزایش سطح درآمد روستاییان، تخصیص اعتبار لازم برای اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تأمین حداقل نیازهای معیشتی روستاییان، بهره برداری بهینه از منابع محلی برنامه توسعه روستایی یکپارچه، برنامه توسعه نواحی در معرض خشکسالی و برنامه توسعه نواحی بیابانی، سه طرح عمده‌ای بودند که در این راستا به اجرا درآمده و دستاوردهای چشمگیری برای این کشور به ارمغان آوردند.

روش برنامه ریزی صنعتی نمودن روستاها در مالزی

رهیافت های تقویت فعالیت صنعتی روستایی در مالزی، باکوشش سازمان‌های مختلف جهت توسعه صنایع دستی و سنتی است. این فعالیت‌ها عبارتند از: بخش توسعه اجتماعات، اداره ی توسعه تعاونی‌ها، شرکت توسعه صنایع دستی مالزی، اداره ی توسعه ی خرده مالکان صنایع و. . .

روش برنامه ریزی صنعتی نمودن روستاها در اندونزی

در اندونزی برنامه ی توسعه ی ایالتی، در اواسط دهه ی ۱۹۷۰میلادی طراحی و در۱۹۷۹ میلادی آغاز گردید. این برنامه که در ۱۰ استان از مجموع ۲۷ استان کشور با تمرکز بر روستاهای محروم و یا روستاهایی با پتانسیل اقتصادی بالا و با تحت پوشش قرار دادن بیش از ۵۰ درصد جمعیت، فعالیت می نمود. سه هدف اصلی این برنامه:

ایجاد ظرفیت و توانایی برنامه ریزی در سطوح روستایی، تکیه بر ایجاد صنایع روستایی کوچک مقیاس تا حدی که اهالی مناطق روستایی قادر به مشارکت و همکاری فعال در برنامه ریزی و اجرای آن باشند، حصول اطمینان از اینکه منافع اصلی در مناطق تحت پوشش عاید روستاییان فقیر گردد. هر ساله تعداد پروژه های مربوط به صنایع روستایی توسط ادارات برنامه و بودجه ی هر استان مورد ارزیابی قرار می گیرد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

و طرح‌هایی که در این ارزیابی‌ها موفق اعلام شوند، بودجه‌ی مورد نیاز برای یکسال دیگر را دریافت می‌کنند.

روش برنامه ریزی صنعتی نمودن روستاها در ژاپن

در نواحی روستایی ژاپن، نواحی خاصی به عنوان ناحیه ی مناسب برای استقرار صنایع تعیین می‌شود و حمایت‌های مختلف از قبیل بخشودگی مالیاتی برای این صنایع پیشنهاد می‌گردد. تعیین محصولات تولیدی ویژه برای هر روستا از جمله سیاست‌هایی است که در این کشور اعمال می شود. به طور مثال در ایالت "اوهیتا" مسئولین دولتی برای ۵۸ ناحیه صنعتی - روستایی این ایالت، ۵۸ نوع محصول صنعتی را مشخص نموده اند که هر روستا و یا ناحیه ی صنعتی- روستایی باید به تولید یک نوع از محصولات صنعتی مبادرت نماید. از مزایای این روش، جلوگیری از تولید اضافی بعضی از محصولات صنعتی و مشکلات عدم امکان بازاریابی برای محصولات تولیدی اضافی است.

روش برنامه ریزی صنعتی نمودن روستاها در چین

توسعه روستایی در این کشور از سال ۱۹۵۸ و با هدف اولیه ی خودکفایی در کشاورزی شروع شد و در حال حاضر توسعه ی روستایی به معنای وسیع کلمه اهداف چند جانبه ای را داشته است. اولین خصوصیت توسعه ی روستایی در چین تجهیز و به کارگیری نیروهای بیکار در مناطق روستایی است، تنوع بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی و روستایی، شکل دادن به سرمایه‌های روستایی، فراهم آوردن خدمات اجتماعی و زیربنایی برای مردم روستا، تأکید برحداکثر بهره برداری از منابع محلی به منظور تأمین احتیاجات محلی با مشارکت مردم. کشور چین در سالهای اخیر، با رشد شدید اقتصادی مواجه بوده و اتخاذ سیاست توسعه ی صنعتی همراه با کشاورزی به عنوان راهبرد اصلی توسعه ی این کشور مطرح شده است. دولت چین با شعار "کارگران مازاد کشاورزی، زمین را ترک کنند و نه نواحی روستایی را، وارد کارخانه شوند و نه وارد شهر" خواستار جابجایی کارگران مازاد کشاورزی از فعالیتهای کشاورزی به فعالیت‌های غیر کشاورزی است. سیاست چین، ایجاد تحول در کشاورزی همراه با صنایع روستایی است؛ بنابراین توسعه‌ی شهرک‌های بازاری برای تجاری کردن کشاورزی و توسعه ی فعالیتهای غیر کشاورزی روستاها در این کشور ضروری تلقی می‌شود شهرک‌های بازاری در حکم مراکز ویژه ی تجارت روستایی - شهری هستند و خدمات اساسی را به بخش کشاورزی ارائه می دهند. در سالهای اخیر برای صنعتی شدن روستاهای چین تلاشهای بسیاری تحقق یافته است.

در جدول شماره پنج اهم عوامل موفقیت کشورهای منتخب در صنعتی نمودن روستا بیان شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

چارچوب نظری

در این مقاله با مرور دیدگاه، رویکردها و راهبردهای مختلف رویکرد اقتصادی با راهبرد صنعتی نمودن روستاها اساسی به عنوان چارچوب اصلی در نظر گرفته شده است.

رویکردهای اقتصادی

با توجه به انواع راهبردهای توسعه روستایی با رویکرد اقتصادی از راهبردهای ذیل در برنامه‌های توسعه (روستایی) درکشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به نوعی استفاده شده که با توجه به موضوع تحقیق، راهبرد صنعتی نمودن روستا به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

راهبرد صنعتی نمودن روستاها

افزایش سریع جمعیت، مهاجرت روستاییان به شهرها، کمبود فرصت‌های شغلی بویژه در کشاورزی، تفاوت درآمد شهرنشینان با روستاییان، فشار جمعیت بر منابع طبیعی و ناکامی در ایجاد و گسترش صنایع متوسط و بزرگ بویژه در کشورهای در حال توسعه باعث شد که این کشورها راهبرد صنعتی سازی روستاها را از اواسط دهه ۱۹۷۰ در برنامه‌های توسعه ی خود مد نظر قرار دهند. کشورهای متعددی این راهبرد را اجرا کردند یا بدنبال اجرای آن هستند. در این رابطه تأکید بر صنایع روستایی، صنایع کوچک و تمرکز زدایی از فعالیت‌های صنعتی را آزمودند و برخی از کشورها هم از طریق قوانین بازدارنده و تشویقی در این زمینه گام برداشتند، چرا که ایجاد و گسترش صنایع روستایی یا صنعتی شدن روستاها می‌تواند از طریق ایجاد تنوع افزایش اشتغال و درآمد، افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های کشاورزی و گسترش فرهنگ صنعتی، استفاده بیشتر از مهارت‌های موجود در یک ناحیه، تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی، نقش مؤثری در توازن و تعادل شهر و روستا، توسعه‌ی نواحی روستایی و کاهش مهاجرت روستاییان به شهر را داشته باشد. بیشتر این گونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد (مقیاس کوچک) شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده ای از آن را صنایع دستی و فراوری تولیدات کشاورزی محلی تشکیل دهد. این صنایع می توانند از ابزارهای پیشرفته تر برای کار خود بهره برده و بدلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغالزایی بیشتر، کمک بیشتری به بهبود وضعیت روستاییان انجام دهند. ایجاد مشاغل غیر کشاورزی برای روستاییان بیکار و یا نیمه بیکار در یک منطقه، همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری، تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی، فراوری تولیدات کشاورزی، تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی کشاورزان و دیگر افراد محلی، استفاده کامل از مهارت های موجود در یک ناحیه از محور های اساسی این راهبرد می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

پیشینه تحقیق

دیوید راجز[1] بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک ها و مناطق روستایی ایالت آیوا، نشان می‌دهد که صنعتی سازی روستایی برای اجتماعات مورد مطالعه با منافع گسترده همراه بوده، به طوری که بر یکپارچگی خانوارها، درآمد سرانه و توزیع متعادل نیز با درآمدها افزوده است (مطیعی لنگرودی و مرادی، ۱۳۸۴ :۴۰-۴۳). آبراهام[2] نیز با بررسی الگوی صنعتی سازی روستایی هند، معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی نقشی بسیار مهم در ایجاد اشتغال و درآمد داشته است (آبراهام، ۲۰۰۴). صنعتی سازی روستایی با استفاده از منابع محلی به تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع می انجامد و پلی است که میان مناطق شهری و روستایی پیوند ایجاد می کند، و بدین ترتیب، اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا کاهش می‌یابد (والکرز[3] ۲۰۰۷). جی. تی. شای[4] با بررسی سیاست‌های توسعهٔ روستایی در کشور تایوان، ظهور تخصص گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی را از اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌داند (گرگانی، ۱۳۸۶ :۳۵-۴۳). بر این اساس، باید اذعان داشت که امروزه صنعت به مثابه اصلی ترین ابزار در توسعه و به ویژه توسعهٔ مناطق عقب مانده دارای نقشی محوری است، نقشی احتمالاً برخاسته از این واقعیت که قابلیت جا به جایی و انعطاف پذیری عوامل تولید بر حسب شرایط و اوضاع محیطی- منطقه ای و ملی در بخش صنعت بیش از کشاورزی است، و چه بسا به همین دلیل، قطب های توسعه به خصوص در کشورهای جهان سوم و به ویژه در مناطق فاقد توان مناسب برای توسعهٔ کشاورزی بر پایهٔ صنعت استوار می‌شوند (اسمیت[5] ۲۰۰۸). اسکاپ[6] در بررسی‌های به عمل آمده از سیاست‌های تمرکززدایی صنعتی در کشورهای چین، هند، کره جنوبی و تایلند با طرح الگوی صنعتی شدن فضایی غیرمتمرکز و بررسی مطلوبیت و انعطاف پذیری اقتصاد صنعتی مناطق روستایی، آن را فرایندی کامل و بی‌نقص از سیاست های برنامه ریزی توسعه روستایی در طول دهه گذشته کشورهای در حال توسعه معرفی نموده که می توان با آن ضمن ارتباط متقابل با بخش کشاورزی زمینه مناسبی برای توسعه روستایی فراهم آورد. در همان حال، آ. اس. بهالا[7] ضمن بررسی، اقتصاد روستایی در استان هونان چین، معتقد است تنوع بخشی اقتصاد روستایی بخصوص از طریق استقرار صنعت موجب افزایش درآمد گروه کثیری از روستاییان بوده است، به طوری که از سال ۱۹۷۸ با استقرار صنعت در مناطق روستایی چین این فرایند به افزایش متوسط درآمد بیش از ۴۰ میلیون نفر از سکنه روستایی این استان منجر شده است (آ. اس. بهالا، ۱۹۹۲).

1. David Ragez
2. T. Abraham
3. Walkers
4. J. T. Shay
5. Smith
6. Escap
7. A. S. Bhalla

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

بی. ولدسمیت[1] با بررسی الگوی استقرار صنعت در مناطق روستایی اتیوپی، اعتقاد دارد که صنعتی شدن در اتیوپی سبب کاهش نابرابری‌های منطقه ای، توسعه مهارت‌های جدید و اجتماعی شدن فعالیت‌های تولیدی شده است (بی. ولدسمیت، ۱۹۷۹). در تبیین اثرات اشتغال زایی استقرار صنعت در مناطق روستایی چین، سی. پی. دبلیو. ونگه[2] با بررسی سرمایه گذاری‌های کوچک مقیاس صنعتی در این کشور معتقد است این سرمایه گذاری‌ها در اقتصاد روستایی کشور چین با ۲/۱ میلیون سرمایه گذار و ۲۰ میلیون نفر شاغل زمینه مناسبی را برای جذب نیروهای مازاد در بخش کشاورزی به وجود آورده است (سی. پی. دبلیو. ونگه، ۱۹۸۰). ال. وای. گودرای[3] با بررسی اثرات استقرار صنعت در پاریش لوئیزیانا و با بیان اشتغال زایی طرحهای صنعتی در مناطق روستایی بر کاهش روند مهاجرت های روستایی تأکید نموده و معتقد است از آغاز مرحله استقرار صنعت در این مناطق، مهاجرت به داخل بیشتر از مهاجرت به خارج به نسبت دیگر مناطق روستایی صورت گرفته است. آلکا پاریخ[4] و همکاران با طرح صنعتی شدن روستا به عنوان بخشی از فرایند توسعه همه جانبه روستایی در هند معتقدند تمرکززدایی صنعتی سهم قابل توجهی در توسعه روستایی و کاهش فقر در منطقه روستایی بوریا داشته است، به طوری که این روند سبب افزایش آگاهی‌ها، گسترش آموزش، سرمایه گذاری بیشتر در بخش کشاورزی و افزایش درامد خانواده‌های کم درآمد شده است. کارل لیدهولم[5] با بررسی فعالیت‌های صنعتی مستقر در مناطق روستایی تایلند، معتقد است فعالیت‌های غیر کشاورزی سهم قابل توجهی در همگن نمودن و ثبات درآمدی روستاییان در سرتاسر سال داشته است. تجزیه و تحلیل لیدهولم نشان می‌دهد که نوسان درآمد ماهانه خانوارهای روستایی در تایلند با فعالیت های صنعتی بسیار کمتر از تغییرپذیری کل درآمد خانوارهای روستایی با فعالیت‌های کشاورزی بوده است (کارل لیدهولم، ۱۹۸۹). اس. ک. رائو[6] با تحلیل روند صنعتی شدن روستایی در چهار کشور هند، فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن، بر نقش استقرار صنعت در روند گسترش صادرات اشاره داشته و معتقد است هریک از این کشورها با انتخاب الگوی مناسب صنعتی گامی اساسی در جهت ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و در نهایت گسترش صادرات داشته اند. این اثرات در فرایند صنعتی شدن فیلیپین و کره جنوبی ملموس تر است (اس. ک. رائو، ۱۹۸۵). اچ میشل[7] و همکاران با تأکید بر تجربیات توسعه همه جانبه روستایی در مکزیک، صنعتی شدن روستایی را گامی در جهت کاهش نابرابری های منطقه ای معرفی می‌نمایند (اچ میشل[8] و همکاران، ۱۹۷۹). جان سیگوردسون[9] در تحلیلی با تأکید بر سیاست های تمرکز دایی صنعتی و نقش آن در توسعه روستایی معتقد است تمرکززدایی صنعتی نامی عام برای انتقال صنعت از مراکز بزرگ شهری به

1. B. Woldesemait
2. C. P. W. Wong
3. L. Y. Guedry
4. AlkaPorikh
5. Carl Liedholum
6. S. K. Rau
7. H. Michel
8. H. Michel
9. Jon Sigurdson

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جوامع دیگر است. هدف عمده این سیاست انتقال اثرات رشد صنعتی به مراکز شهری درجه دوم، شهرک‌ها و جوامع روستایی است. وی مرحله انتقال صنعت از مادر شهرها به مراکز شهری درجه دوم را آغاز مرحله تمرکززدایی صنعتی، استقرار صنعت در مراکز شهری کوچک را صنایع منطقه ای و مکانیابی صنعت در جوامع روستایی را صنایع روستایی نام می نهد (جان سیگوردسون، ۱۹۷۷). مروری بر پیشینهٔ تحقیق و مطالعات موجود در بارهٔ پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی به خوبی نشان می‌دهد که می توان اشتغالزایی بخش غیرکشاورزی را راهبردی مناسب برای اشتغال روستایی دانست و در این زمینه، صنایع روستایی از سایر فعالیت های غیرکشاورزی مفیدتر است (لانجو[1] ۲۰۰۸). صنایع کوچک روستایی، با توانایی بسیار در جذب نیروی کار (به علت کاربر بودن این صنایع)، از منابع عمدهٔ درآمد است و از شکاف درآمدی در سطح روستاها می‌کاهد. این بخش می‌تواند برای گروه های کم زمین یا فاقد زمین، که درآمد کشاورزی پاسخگوی نیازهای شان نیست، اشتغال و درآمد ایجاد کند (اسکینر[2] ۲۰۰۷). در ایران نیز در زمینهٔ نقش صنعتی سازی روستایی در توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی روستاها، محققانی چون طاهرخانی (۱۳۷۹)، مطیعی لنگرودی (۱۳۷۹)، رحیمی (۱۳۸۳)، دربان آستانه (۱۳۸۴)، شایان و شاهی اردبیلی (۱۳۸۶) تحقیقاتی سودمند به انجام رسانده‌اند.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق اسنادی بوده و داده‌ها و اطلاعات پس از گردآوری با تحلیل محتوا، تجزیه و تحلیل و طبقه بندی شده است.

یافته های تحقیق:

یافته‌های تحقیق با تمرکز بر مجموع روند اثرات صنعتی نمودن روستاها با توجه به پیشینه تحقیق و مرور تجربیات کشورهای منتخب در این بخش ارایه شده است.

الف- یافته‌های مربوط به ادبیات و پیشینه: در جدول زیر روند اثرات رویکرد اقتصادی با راهبرد صنعتی نمودن روستاها با توجه به پیشینه تحقیق طبقه بندی شده است.

1. Lanjouw
2. Skinner

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول شماره ٤: روند اثرات رویکرد اقتصادی و راهبرد صنعتی نمودن روستاها

اثرات صنعتی شدن و رفع نیاز های اساسی	محقق	کشور مورد بررسی	سال تحقیق
ایجاد اشتغال پویا - افزایش درآمد	جان. ام. پترسون	آمریکا	۱۷۹۴
کاهش مهاجرت های روستایی	ال. وأی. گودرای	آمریکا	۱۹۷۷
ایجاد اشتغال برای بیکاران فصلی - تمرکززدایی - ایجاد درآمد - افزایش رفاه (مسکن، بهداشت، پس انداز)	دوایت پرکینز	چین	۱۹۷۸
ایجاد اشتغال پویا - افزایش درآمد	دیوید راجرز	آمریکا	۱۹۷۸
کاهش نا برابری های اجتماعی	اچ. میشل	مکزیک	۱۹۷۹
کاهش نابرابری های منطقه ای - توسعه مهارت های جدید تولیدی- اجتماعی شدن فعالیتهای تولیدی	بی. ولدسمیت	اتیوپی	۱۹۷۹
افزایش سرمایه گذاری های روستایی - ایجاد اشتغال	سی. پی. دبلیو. ونگ	چین	۱۹۸۰
افزایش متوسط درآمدها	آ. اس. بهالا	چین	۱۹۸۲
گسترش صادرات روستایی	اس. ک. رائو	فیلیپین – کره جنوبی	۱۹۸۵
تخصص گرایی - توازن منطقه ای - افزایش درآمدهای محلی - افزایش ضریب اشتغال	جی. تی. شی	تایوان	۱۹۸۵
افزایش درآمد- استفاده از منابع محلی- تحکیم الگوی تمرکزگرایی	جی. آبراهام	هند	۱۹۹۴
همگن نمودن و ثبات درامدی و شغلی	کارل لیدهولم	تایلند	۱۹۹۴
افزایش درآمد شغلی - تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام	اسلام ریزوانول	چین	۱۹۹۴
کاهش فقر - افزایش آگاهی ها - رونق آموزش- سرمایه گذاری در بخش کشاورزی	الکا پاریخ	هند	۱۹۹۶
رواج کشاورزی - افزایش درآمد - کاهش مهاجرتهای روستایی	اسکاپ	چین	۱۹۹۶

ب- یافته‌های مربوط به تجربیات کشورهای منتخب: در جدول زیر روند اثرات رویکرد اقتصادی با راهبرد صنعتی نمودن روستاها با توجه به تجربیات کشورهای منتخب طبقه بندی شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جدول شماره ۵ : اثرات صنعتی نمودن روستا ها در کشورهای مورد مطالعه

کشور مورد بررسی	روش برنامه ریزی	عوامل توفیق
هند	توسعه روستایی یکپارچه توسعه نواحی در معرض خشکسالی توسعه نواحی بیابانی	رعایت منطقی مراحل گذار از بخش کشاورزی به بخش صنعتی مشارکت منسجم موسسات مالی در کمک به فرایند برنامه ریزی دولت تمرکز زدائی فرایند برنامه ریزی و مشارکت کارگزاری های متعدد در امر توسعه اتخاذ تدابیر مناسب در جهت مکان یابی صنایع در مراکز روستایی منتخب جهت گیری بسوی گروه های کم درآمد روستایی و تلاش برای افزایش درآمد گروههای کم درآمد.
مالزی	توسعه صنایع دستی و سنتی	رعایت منطقی مراحل گذار از بخش کشاورزی به بخش صنعتی توسعه مراکز رشد روستایی تدوین چشم انداز توسعه روستایی و کشاورزی فراهم نمودن تسهیلات زیر ساختی
اندونزی	تمرکز بر روستا های محروم و یا روستاهای با پتانسیل اقتصادی بالا	همکاری نزدیک با فائو تعدد کارگزاری های در گیر در امر روستا اتخاذ تدابیر مناسب در جهت مکان یابی صنایع در مراکز روستایی منتخب تشکیل مرکز توسعه صنایع روستایی
ژاپن	تعیین نواحی خاص به عنوان ناحیه مناسب استقرار صنایع روستایی	بخشودگی مالیاتی تعیین محصولات تولیدی هر روستا اتخاذ تدابیر مناسب در جهت مکان یابی صنایع در مراکز روستایی منتخب جهت گیری به سوی گروه های کم درآمد روستایی و تلاش برای افزایش درآمد گروههای کم درآمد.
چین	خودکفایی در کشاورزی توسعه ی همه جانبه روستایی توسعه ی صنعتی همراه با کشاورزی	سرمایه گذاری های کم هزینه جهت گیری به سوی گروه های کم درآمد روستایی و تلاش برای افزایش درآمد گروه های کم درآمد حمایت و گسترش واحدهای صنعتی روستایی با مالکیت های خصوصی تکنولوژی کاربر با هدف ایجاد اشتغال در بخش غیر کشاورزی برقراری روابط منطقی میان صنایع روستایی، صنایع مدرن و بخش کشاورزی استقرار صنعت در مناطق روستایی همگام با برنامه های توسعه ی همه جانبه ی روستایی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

بحث و نتیجه گیری

هدف در این مقاله تبیین مسیر توسعه روستایی با رویکرد اقتصادی با راهبرد صنعتی نمودن روستاها بوده است. برای رسیدن به فهم جامع از موضوع، نخست ادبیات و پیشینه موضوع مرور و رویکرد اقتصادی با راهبردهای صنعتی نمودن روستا به عنوان چارچوب نظری تعیین شد. رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی در کشورهای مختلف بر حسب تجربیات، سیاست‌ها، اهداف و آرمان‌ها، متنوع و متفاوت است که در این مقاله متناسب با مساله تحقیق رویکرد و راهبردها تعیین شده است. یافته‌های حاصل از این مطالعه که با روش اسنادی و تحلیل محتوای ادبیات و پیشینه و بررسی تطبیقی تجربیات چند کشور منتخب نشان می‌دهد رویکرد اقتصادی توسعه روستایی با راهبرد صنعتی نمودن می‌بایست: ۱- متناسب با امکانات و داده‌های محلی، ۲- متناسب با مهارت، توانایی و قدرت بهره گیری روستاییان، ۳- با تکیه بر فناوری‌های بومی روستا با قابلیت تولید مولد و افزایش امکانات تولیدی، ۴- با تمرکز بر اشتغالزایی بخش غیرکشاورزی برای اشتغال روستایی، ۵- با تمرکز بر صنایع کوچک روستایی، ۶- باکاهش فقر و رفع مشکل بیکاری نواحی روستایی در جهت توسعه ی پایدار روستایی انجام گیرد. نتایج مطالعه بیانگر این است که اشتغالزایی بخش غیرکشاورزی را می‌توان راهبردی مناسب برای اشتغال روستایی دانست و در این زمینه، صنایع روستایی از سایر فعالیت‌های غیرکشاورزی مفیدتر بوده و صنایع کوچک روستایی، با توانایی بسیار در جذب نیروی کار (به علت کاربر بودن این صنایع)، از منابع عمدهٔ درآمد است و از شکاف درآمدی در سطح روستاها می کاهد. این بخش می‌تواند برای گروه های کم زمین یا فاقد زمین، که درآمد کشاورزی پاسخگوی نیازهای شان نیست، اشتغال و درآمد ایجاد کند. همچنین با توجه به متون موجود و مطالعه روشها، رهیافت های و تجارب کشورهای منتخب نشان می‌دهد اقتصاد روستایی نیازمند متنوع سازی است. در متنوع سازی اقتصاد روستایی باید از انواع فعالیت‌ها بویژه صنایع سود برد. زیرا مشارکت صنعت در توسعه روستایی مشارکتی چند جانبه است و هدف اولیه آن می‌بایست افزایش تولید و بهره وری روستایی باشد. بدین ترتیب با توجه به مطالعات موجود و دیدگاه های جام. ام. پترسون، اچ. میشل و بی. ولدسمیت، سی. پی. دبلیو ونگ، اسکاپ و جی. تی. شی و اس. ک. رو مهمترین اثرات صنعتی شدن روستاها را می توان ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد، کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه ای، افزایش رفاه روستایی وگسترش صادرات روستایی نام برد. صنعتی شدن روستا به عنوان یک تسهیل گر در جهت ایجاد اشتغال و درآمد و به عنوان برنامه‌هایی برای مشکل فقر مناطق روستایی، در حال حاضر در جهت رفع مشکل بیکاری نواحی روستایی در کشورهای منتخب در حال اجرا می باشد. زیرا از نظر درآمد، اشتغال در فعالیت‌های صنعتی در پیشرفت و توسعه ی اقتصاد روستایی نقش بسزایی دارد صنایع روستایی معمولاً با سرمایه کمتر، اشتغال بیشتری ایجاد می‌کنند. باید توجه داشت صنعتی سازی روستاها در جهت توسعه روستایی و توسعه صنایع روستایی نباید باعث خروج نیروهای فعال روستایی از روستا شود و این برنامه ریزی تنها نباید برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان تدوین شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

برنامه ریزی باید در روستا و برای روستا و در جهت توسعه روستایی و در چهارچوب توسعه ملی صورت گیرد و نه به عنوان پاک کردن صورت مسأله افزایش مهاجرت به مناطق شهری. بنابراین لزوم ایجاد صنایع کاربر و دارای تکنولوژی قابل قبول از نظرکمیت، کیفیت تولیدات صنعتی با اولویت به تکنولوژی‌هایی که کمتر سرمایه بر و بیشتر کاربردی هستند، ترجیح صنایع روستایی وکوچک نسبت به صنایع بزرگ، اولویت دادن به تولیدکالاهای پرمصرف، نسبت به تولید کالاهای لوکس و کم مصرف، اولویت دادن تکنولوژی‌هایی که به مهارت کمی نیاز دارند و یا با تغییر کمی در مهارت کارگران سنتی می توان آنها را به کار گرفت" محرز است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فهرست منابع و مآخذ

ـ افتخاری، عبد الرضا رکن الدین، طاهر خانی، مهدی(۱۳۸۱) استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، مدیریت علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۲.

ـ بهرامی کمیل، نظام (۱۳۹۶)، حوزه های پیشرفته جامعه شناسی، مشاوران صعود ماهان، تهران.

ـ حاجی نژاد، علی و دیگران (۱۳۸۵) بهره وری صنایع روستایی در استان سیستان و بلوچستان؛ مجله جغرافیا و توسعه؛ زاهدان.

ـ دربان آستانه، علی رضا (۱۳۸۴). مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستائی، کتاب سبز راهنمای دهیاری‌ها و شهرداری ها تهران.

ـ راتن، ورنون(۱۳۷۲). طرح های توسعه همه جانبه روستایی دورنمای تاریخی. ترجمه عبدالحمید هاشمی علیا. فصلنامه روستا و توسعه، شماره پنجم، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی

ـ رحمانی، خلیل، نقوی، محمد رضا، صنعتی شدن روستائی در چین، آموزش رشد جغرافیا (۱۳۹۱).

ـ رحیمی، علی (۱۳۸۳)، صنایع کوچک روستایی و توسعه پا یدار اراک: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مرکزی، واحد آمار و انفورماتیک.

ـ رضائی آقا میرلو، محمد رضا، جمالی، زهرا، سودا، رحیم پور(۱۳۹۲). رهیافت‌های ایجاد و توسعه صنایع روستایی و مؤلفه های صنعتی سازی روستا ها، اولین همایش ملی جغرافیا، شهر سازی و توسعه پایدار.

ـ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد(۱۳۹۷)تدوین برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستایی موضوع جزء ۱ بند الف ماده ۲۷ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی"روستاهای هدف بخش مرکزی شهرستان بویراحمد، شرکت مهندسین مشاور نقش بوستان گستر.

ـ شاطری، مفید، حججی پور، محمد، نجاتی، بهناز(۱۳۸۴) شناخت و اولویت بندی نیازهای اساسی توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی دهستان شوسف.

ـ شایان، حمید و شاهی اردبیلی، حکمت (۱۳۸۶)، نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد، فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۰شماره ۲.

ـ فرج اله حسینی، سید جمال، ده یوری، سحر، (۱۳۹۵) طراحی و ارائه مدل ساختاری برای مدیریت مناسب توسعه روستایی در ایران، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی.

ـ کلانتری، خلیل و شهلا چوبچیان(۱۳۸۷) چالش‌های توسعه روستایی در ایران برای دستیابی به توسعه پایدار. فصلنامه جامعه شناسی، سال ۷، شماره ۴.

ـ گرگانی، سیدعلی (۱۳۸۶)، درآمدی بر نظریه های توسعهٔ روستای. ی تهران: علم.

ـ مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت ایران (۱۳۹۳)، بررسی نظریه‌های توسعه روستایی در ایران و جهان، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

ـ مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۷۹)، اثرات اقتصادی - اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی(مطالعهٔ موردی: شهرک صنعتی مشهد). فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیای، شمارهٔ ۳۳.

ـ مهندسان مشاور **DHV**از هلند، (۱۳۷۵)، رهنمودهائی برای برنامه ریزی مراکز روستایی؛ جلد دوم؛ ناشر مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد کشاورزی ؛ تهران.

ـ مهندسین مشاور راهور (۱۳۸۵)، راهبردها و سیاست‌های توسعهٔ روستایی در روستاهای استان مرکزی اراک: سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی.

ـ مؤمنی، سیدحسن (۱۳۸۵). شکل‌گیری و روند تحولات بافت روستایی با تأکید بر صنایع کوچک، مجموعه مقالات راهبردهای برنامه ریزی تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

ـ نجفی کانی، علی اکبر(۱۳۸۵). بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعهٔ، فصلنامهٔ «اقتصادی- اجتماعی مناطق روستایی، نمونهٔ موردی: شهرستان بابل».

ـ نصرتی، فردین، ایمانی، بهرام(۱۳۸۸)، چالش‌های فراروی توسعه صنایع روستایی در ایران، فصلنامه توسعه روستائی.

ـ نصیری، اسماعیل(۱۳۸۷) صنایع روستایی عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی: نمونه تجربی روستاهای شهر بومهن، فصلنامه روستا و توسعه.

ـ نوروزی، فیض اله(۱۳۹۹)، جزوه کلاسی جامعه شناسی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.

- Abraham, J. , “Rural Industries and Rural Industrialization in Developing Economy: Indian Experience”, Journal of Rural Reconstraction, Vol. 27, 1994, pp. 45-52.
- Abraham, T. (2004), Rural Industries and Rural Industrialization. London:Oxford University Press.
- Bhalla, A. S. , "Rural Industrialization and New Economic Policies in Human (China)”, World Employment Programme Research,1982, No. 5 ,pp. 2-37.
- Chadwilk, W. (2007), Spatial Organization in Rural Areas. NewYork:Prentice-Hall.
- Deaton, B. J. , Industrialization of Rural Areas: Recent Trends and the Rural Sociology;1987 ,Vol. 18, No. 4.
- Guedry, L. Y. , “Employment Impacts of Rural Industrialization Lasalle Parish Louisiana”, Louisiana Rural Economist; Vol. 39, No. 3, 1977, pp. 3-15.
- Ho, Samuel, “Decentralized industrialization and Rural Development ment and Cultural Change: Vol. 44, No. 2. 1996, pp. 351-377
- Lanjouw, P. (2008), Rural Non-Agricultural Employment and Poverty in Latin America. Washington DC: World Bank.
- Liedholm, Carl, “The Role of Non – Farm Activities in the Rural Economy, the Balance Between Industry and Agriculture in Economic Development”, Macmillan Press, 1989, p. 427

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

- Michel, H. & Ochel, W. , “Rural Industrialization, Employment and Economic Development”, Economic Development and Source Transfer vrat jawapo glavi. Soygu Workshop,1979, pp. 31-44.
- Parikh, Alka, “Impact of rural industrialization on Village Life and Economy: A Social Accounting Matrix Approach”, Economic Develop ment and Cultural Change: Vol. 44, No. 2.
- Pears, R. (2007), Location, Development, Industry. Oxfords: Blackwell.
- Rizwanul, Islam, “Rural Industrialization: An Engine of Prosperity in Postform Rural China”, World Development; Vol. 22, No. 11, 1994
- Rogers, David, “Industrialization, Incom Benefits and The Rural community”, Rural Sociology, Vol. 43, No. 2, 1978, pp. 250-264.
- Rua, S. K. , “Rural Industrialization: Policy and Programmes in Asian Countries”, Tokyo, Asian Productivity Organization, 1985.
- Shih, J. T. “Decentralized Industrialization and Rural Non – Farm Employment in Taiwan", Association of Development Research and Training Institutes of Asia and the Pasific.
- Sigurdson, Jon, Rural Industrialization in China, Published Council on East Asian Studies, Harvard University, 1977, p. 15.
- Skinner, N. M. (2007), "Social and environmental regulation in rural China". Geoforum. Vol. 34. No. 2.
- Smith, R. (2008), Industry Cluster Analysis. Melbourne: Blackwell.
- Tambunan,Tulu, "Forces Behind the Growth of Rural Industries in London, Routlege, 1992.
- Trolliet, Michel, “Agg White Beaten to Snow: A Note on Another Conception of Industrialization as a Condition of Rural Revitalization” Vol. 28, No. 1, 1979, pp. 77-96.
- Walkers, V. (2007), Policy Innovation for Rural Sustainable Development. New York: USA Rural Policy Research Institute.
- Woldesemait, B. , "Prospects for Rural Industrialization in Ethiopia ,1979 ,Ethiopian Journal of Development Research; Vol. 3, No. 2, 1979, pp. 15-31.
- Wong, C. P. W. , “Rural Industrialization in China: Development of the Five Small Industries”, Dissertation Abstracts International; Vol. 40, No. 8, 1980, p. 256.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]